

## چگونگی توزیع تسهیلات بانکی در استان‌ها بر اساس شاخص سوئیت

زهرا افشاری \*

فهیمة مرادی \*\*

\* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهرا

\*\* کارشناس ارشد علوم اقتصادی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵۲۷	چکیده.....
۵۲۸	مقدمه .....
۵۲۹	۱- مبانی نظری .....
۵۳۴	۲- تسهیلات بانکی و توسعه مناطق محروم .....
۵۳۵	۲-۱- رویکرد تأمین مالی خرد .....
۵۳۶	۲-۲- تحقیقات انجام شده در زمینه توزیع تسهیلات بانکی .....
۵۳۸	۲-۳- تسهیلات بانکی و طبقه‌بندی آن در ایران .....
۵۳۹	۲-۴- روش تحقیق (شاخص سوئیت) .....
۵۴۰	۳- بررسی چگونگی توزیع تسهیلات با استفاده از شاخص سوئیت .....
۵۴۳	۳-۲- محاسبه شاخص سوئیت برای توزیع تسهیلات بانکی و برنامه دوم و سوم .....
۵۴۵	۳-۳- محاسبه شاخص سوئیت برای مانده حساب‌های بانکی در برنامه دوم و سوم .....
۵۴۷	نتیجه‌گیری و پیشنهادها .....
۵۴۹	کتاب‌نامه.....

## فهرست جدول‌ها و نمودارها

صفحه	عنوان
	<b>الف - جدول‌ها:</b>
۵۳۹	جدول شماره ۱- گروه‌بندی تسهیلات اعطایی مورد استفاده در نظام بانکداری کشور .....
	جدول شماره ۲- توزیع تسهیلات و مانده حساب‌ها برحسب دهک‌های GDP سرانه
۵۴۲	استانی ایران .....
۵۴۴	جدول شماره ۳- محاسبه شاخص سوئیت برای تسهیلات بانکی در برنامه‌های دوم و سوم توسعه
۵۴۷	جدول شماره ۴- شاخص سوئیت برای مانده حساب‌های بانکی در برنامه‌های دوم و سوم توسعه
	<b>ب - نمودارها:</b>
۵۳۱	نمودار ۱- اثر مستقیم و غیرمستقیم توسعه بخش مالی بر فقر .....
۵۴۰	نمودار ۲- منحنی لرنز برای محاسبه شاخص سوئیت توزیع تسهیلات بانکی .....
۵۴۳	نمودار ۳- منحنی‌های لرنز برای توزیع تسهیلات بانکی در برنامه دوم توسعه .....
۵۴۴	نمودار ۴- منحنی‌های لرنز برای توزیع تسهیلات بانکی در برنامه سوم توسعه .....
۵۴۶	نمودار ۵- منحنی‌های لرنز برای توزیع مانده حساب‌های بانکی در برنامه دوم توسعه .....
۵۴۶	نمودار ۶- منحنی‌های لرنز برای توزیع مانده حساب‌های بانکی در برنامه سوم توسعه .....

### چکیده

در نظریه‌های اقتصادی سرمایه نقش مهمی در فرآیند توسعه اقتصادی کشورها ایفا کرده است. از این رو کشورهایی که دارای الگوی کار آمدی در تخصیص سرمایه به بخش‌های مختلف اقتصادی هستند، اغلب از پیشرفت‌های اقتصادی و به تبع آن از رفاه اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. بدیهی است که هدایت سرمایه‌های ملی و همچنین پس‌اندازهای مردم به سمت فعالیت‌های اقتصادی به‌وسیله سیستم بانکی انجام می‌شود. بانک‌های تجاری در کشورها با گردآوری منابع و سرمایه‌های ملی و تخصیص آن به بخش‌های مختلف اقتصادی، زمینه لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی هموار می‌سازند. بنابراین موفقیت بانک‌ها در انجام این امور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. هدف اصلی ما در این پژوهش بررسی چگونگی توزیع تسهیلات بانکی در استان‌های کشور است. برای رسیدن به این منظور بررسی وضعیت اقتصادی مناطق مختلف کشور طی دو برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی ضرورت دارد. بر این اساس در این تحقیق بر پایه تولید ناخالص داخلی سرانه استان‌های مختلف کشور، تصویری اجمالی از وضعیت اقتصادی اجتماعی مناطق مختلف کشور ارائه می‌شود. برای بررسی چگونگی تجهیز سپرده‌ها و توزیع تسهیلات بانکی از شاخص سوئیت<sup>1</sup> استفاده شده است که معیاری شبیه ضریب جینی است. نتایج نشان می‌دهند که در سال‌های اجرای برنامه دوم و سوم توسعه در توزیع تسهیلات بانکی کوتاه‌مدت، بلندمدت و کل تسهیلات گرایش ضعیفی به سمت استان‌های پردرآمد و برخوردار وجود داشته است. شاخص Suit محاسبه شده برای مانده حساب‌های بانکی نیز بیانگر گرایش توزیع آن‌ها به سمت استان‌های پردرآمد و برخوردار است. همچنین مقایسه نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که توزیع تسهیلات بانکی در طول اجرای هر دو برنامه هماهنگ با توزیع مانده حساب‌های بانکی صورت گرفته است.

**کلمات کلیدی:** شاخص Suit - تسهیلات بانکی - مانده حساب‌های بانکی - استان‌های کشور ایران.

---

<sup>1</sup> suit

## مقدمه

بانک‌ها از ابتدای تشکیل بانکداری به شیوه نوین تا به امروز به‌عنوان یک واسطه عمل کرده‌اند و مازاد پس‌انداز گروهی از افراد جامعه را گردآوری کرده و در اختیار گروه دیگر قرار می‌داده‌اند. این عملیات که تجهیز و تخصیص منابع مالی نامیده می‌شود، در واقع مهم‌ترین و اصلی‌ترین فعالیت بانک‌ها را تشکیل می‌دهد. زیرا بانک‌ها با تجهیز بهتر پس‌اندازهای مردم و سوق دادن این پس‌اندازها به سوی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مختلف، می‌توانند نقش مؤثری در رشد اقتصادی کشورها ایفا کنند.

براساس یک تعریف ساده، بانک یک مؤسسه انتفاعی است که با سرمایه خود و سپرده‌های مشتریان، به‌منظور کسب سود، اقدام به جمع‌آوری سپرده‌ها، دادن وام، اعتبار و خدمات بانکی می‌کنند. براساس این تعریف می‌توان فعالیت‌های مؤسسات پولی و بانکی را در عرصه اقتصاد، به دو گروه عمده: گردآوری سپرده‌های مردم و اعطای تسهیلات و اعتبارات به آن‌ها طبقه‌بندی کرد. مؤسسات پولی و بانکی در عرصه اقتصاد، در گام نخست، به‌عنوان واسطه‌گرهای مالی یا کارگزاری که انجام معاملات و فعالیت‌های اقتصادی را تسهیل می‌کنند، تعریف می‌شوند. این مؤسسات، وجوه و سپرده‌های پس‌انداز کنندگان را تحت عنوان بدهکاری خویش به آنان، دریافت می‌کنند و سپس در قالب وام و اعتبار در اختیار متقاضیان وجوه در اقتصاد قرار می‌دهند. به بیان ساده‌تر، بانک‌ها و یا مؤسسات پولی، خریداران و فروشندگان پرداخت‌ها در آینده هستند، چرا که این نهادها با قبول سپرده و پس‌انداز افراد نزد خود، در عمل پرداخت جاری افراد را با قول پرداخت در آینده توسط خود معاوضه می‌کنند و از این منابع به متقاضیان وام می‌دهند و عملاً پرداخت جاری خود را با قول پرداخت وام‌گیرنده در آینده تعویض می‌کنند.

سیستم بانکی در هر کشور یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشور محسوب می‌شود. نکته حائز اهمیت آن است که چگونه این سیستم می‌تواند به نحو کارا عمل کند و توسعه اقتصادی را در یک کشور فراهم آورد. در پاسخ به این پرسش می‌بایست گفت که کارکرد درست این سیستم در گرو استفاده صحیح از منابع گردآوری شده است. در این زمینه باید گفت که زمانی سیستم بانکی می‌تواند به این وظیفه خود جامه عمل بپوشاند که منابع جمع‌آوری شده را به نحو مطلوبی در جهت رشد و توسعه اقتصادی مناطق مختلف کشور به کار گیرد، که این امر مستلزم بررسی و ارزیابی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی مناطق مختلف کشور است.

در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجرای سیاست تسهیلات اعطایی عادلانه و متناسب (با کمک سیاست‌های مالی خاص) می‌تواند کمک مؤثری برای کاهش محرومیت‌ها و تخفیف عدم تعادل‌ها فراهم کند و با ایجاد اشتغال، باعث رشد و توسعه هماهنگ استان‌های مختلف کشور شود. رشد و توسعه هماهنگ استان‌ها نیز، به نوبه خود می‌تواند به توزیع متعادل جمعیت و ایجاد تعادل بین کلیه استان‌ها کمک کند و اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی را در سطح کشور تعمیق بخشد. در این مقاله می‌کوشیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

اول- آیا استان‌های کشور نقش یکسان در تجهیز منابع مالی (سپرده‌گذاری) دارند؟

دوم- آیا توزیع تسهیلات بانکی به سمت مناطق محروم گرایش داشته است؟

سوم- آیا تخصیص منابع از طریق اعطای تسهیلات در استان‌های کشور توزیع نابرابر داشته است. چهارم- توزیع تسهیلات بانکی در دو برنامه دوم و سوم به سمت استان‌های محروم گرایش داشته است.

پنجم- توزیع تسهیلات بانکی در برنامه سوم در مقایسه با برنامه دوم گرایش بیشتری به سمت استان‌های محروم داشته است.

برای این منظور پس از بیان مبانی نظری و تحقیقات تجربی، به بررسی انواع تسهیلات بانکی در ایران می‌پردازیم. در بخش سوم به بررسی چگونگی توزیع تسهیلات بانکی در ایران می‌پردازیم. بخش سوم را به بررسی چگونگی توزیع تسهیلات در استان‌های کشور اختصاص می‌دهیم و در بخش پایانی به تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق می‌پردازیم.

## ۱- مبانی نظری

اقتصاددانان کلاسیک قرن نوزدهم- به استثنای باگهوت<sup>۱</sup>، که به تأثیر بازارهای مالی انگلستان در تشکیل سرمایه اشاره کرده است- به نقش واسطه‌گرهای مالی در اقتصاد بی‌توجه بودند. لیکن این بی‌توجهی نه ناشی از غفلت آن‌ها که به دلیل حضور کم‌رنگ چنین نهادهایی در اقتصاد بود. گسترش فزاینده این نهادها بالطبع بررسی علمی در این زمینه را نیز الزام‌آور کرد و ادبیات گسترده‌ای پیرامون آن شکل گرفت.

<sup>۱</sup> Bagehot, 1873

شومپتر<sup>۱</sup> اولین اقتصاددانی بود که عملاً به نقش معاملات مالی در فعالیت‌های اقتصادی پرداخت و سیستم بانکی در تأسیس شرکت‌های جدید را مورد توجه قرار داد. او در رابطه با نقش واسطه‌های مالی از جمله بانک‌ها استدلال می‌کند که خدمات فراهم شده از سوی واسطه‌های مالی شامل به جریان انداختن پس‌اندازها، ارزیابی طرح‌های اقتصادی، مدیریت ریسک، کنترل و نظارت بر عملکرد مدیران و تسهیل مبادلات از ضرورت‌های نوآوری فناوری و توسعه اقتصادی است. بررسی رابطه بین توسعه مالی و رشد عمدتاً از بینش‌ها و تکنیک‌های مدل‌های رشد درونزا سرچشمه می‌گیرد، که نشان می‌دهد رشد پایدار بدون پیشرفت‌های فنی برونزا صورت می‌گیرد و نرخ رشد می‌تواند به ترجیحات، فناوری، توزیع درآمد و ترتیبات نهادی مربوط شود و پایه نظری فراهم کند که بازارهای مالی (واسطه‌های مالی) نه تنها آثار سطح، بلکه آثار رشد را دارا باشند. به‌منظور بررسی آثار بالقوه توسعه مالی بر رشد، ساده‌ترین مدل رشد درونزا، مدل AK، را در نظر می‌گیریم، جایی که محصول کل تابعی خطی از ذخیره سرمایه کل است. (پاگانو، ۱۹۹۳).<sup>۲</sup>

(بکسی و ونگ)<sup>۳</sup> به‌طور صریح به نقش واسطه‌گران مالی از جمله بانک‌ها در تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی اشاره کرده‌اند. به اعتقاد آنان واسطه‌گران مالی با تعیین و جهت‌یابی منابع به سمت پروژه‌های با بازدهی بالا، کارایی در سرمایه‌گذاری را افزایش داده است و در صورتی که نوآوری و دانش، پشتوانه منابع سرمایه‌ای باشد می‌توان انتظار افزایش در رشد اقتصادی را داشت. در مقاله ارائه شده توسط (لوین)<sup>۴</sup>، نشان داده شد که چگونه واسطه‌گران مالی از طریق رفع مشکلات بازار و ایجاد فرصت‌های جدید در سرمایه‌گذاری باعث افزایش در رشد اقتصادی می‌شوند. او استدلال می‌کند که واسطه‌گری‌های مالی از طریق جذب پس‌اندازها، تخصیص منابع لازم برای سرمایه‌گذاری، کاهش ریسک پروژه‌های سرمایه‌گذاری و تنظیم قراردادهای مناسب، تأثیر معناداری در سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهند داشت.

در پژوهشی که توسط رازان و زینگلس<sup>۵</sup> انجام شده است، نقش اصلی مؤسسات مالی، ایجاد تسهیلات در بازارهای مالی و تخصیص سرمایه‌های کلان افراد و هدایت به فرصت‌های سرمایه‌گذاری به‌وجود آمده توسط شرکت‌های با منابع مالی محدود معرفی شده است. به اعتقاد آنان واسطه‌گران مالی در اقتصاد، دارای دو نقش هستند: اول اینکه، آن‌ها باعث کاهش هزینه‌های انتقالی پس‌انداز و

<sup>1</sup> Schumpeter, 1934

<sup>2</sup> Pagano, 1993

<sup>3</sup> Becsi and wang, 1997

<sup>4</sup> Levine, 1997

<sup>5</sup> Rajan and Zingles, 1998

سرمایه‌گذاری خواهند شد و دوم آنکه، با کمک به شرکت‌ها برای رفع مشکلات مالی بازار و انتخاب‌های مناسب در سرمایه‌گذاری، باعث گسترش بازارهای مالی می‌شوند (والی زاده، لعلی، ۱۳۸۲). در نظریه‌های رشد جدید دو مسیر ویژه که از طریق آن‌ها بخش مالی ممکن است بر رشد بلندمدت تأثیر بگذارد معرفی شده است:

اول- از طریق اثر آن بر تراکم سرمایه (شامل سرمایه انسانی و فیزیکی)

دوم- از طریق اثرش بر نرخ پیشرفت فناوری

این آثار از نقش واسطه‌گری که به وسیله مؤسسات مالی فراهم می‌شود برمی‌خیزد و می‌تواند بخش مالی را قادر سازد به:

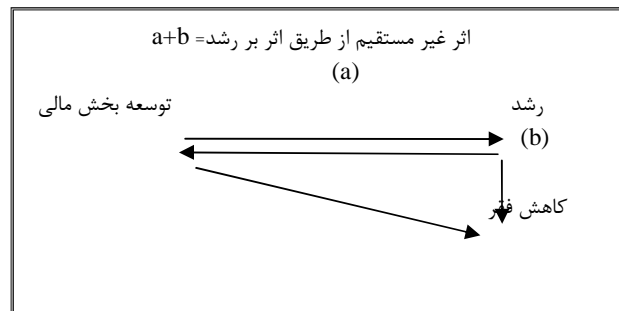
الف- گردش پس‌اندازها برای سرمایه‌گذاری

ب- تسهیل و تقویت جریان وجوه از سرمایه‌گذاری خارجی به داخل

ج- بهینه‌سازی تخصیص سرمایه بین استفاده کنندگان رقابت کننده، و تضمین اینکه سرمایه به سمت گزینه‌ای که بالاترین بهره‌وری را دارد، در جریان است.

نظریه‌ها و شواهد نشان می‌دهند که توسعه بخش مالی از طریق دو اثر مستقیم و غیرمستقیم موجب کاهش فقر می‌شود (نمودار ۱).

نمودار ۱- اثر مستقیم و غیر مستقیم توسعه بخش مالی بر فقر



در یک روش مشابه، خدمات مالی به‌طورکلی رشد درآمدی را افزایش می‌دهند، با افزایش عرضه خدمات مالی از طریق کانال‌های رسمی و نیمه‌رسمی (مثل مؤسسات مالی خرد) دسترسی افراد فقیر به این خدمات ممکن می‌شود، رشد درآمدی فقرا افزایش یافته و بنابراین اثر مستقیم در جهت کاهش فقر دارد. فراهم‌آوردن تسهیلات پس‌انداز، افراد فقیر را قادر می‌سازد تا وجوه را با



اطمینان در طی زمان به منظور تأمین مالی هزینه یا سرمایه‌گذاری مورد انتظار نسبتاً بزرگی در آینده جمع‌آوری کنند و گاهی می‌توانند سودی برای پس‌اندازهایشان به دست آورند. بسیاری از تسهیلات پس‌اندازی انعطاف‌پذیر، ذخایری را ایجاد می‌کند که می‌تواند برای هموار کردن مصرف، مورد استفاده قرار گیرد. وقتی که نوسان‌های غیرقابل پیش‌بینی در درآمد و مخارج وجود دارد، ترکیبی از آن می‌تواند به‌طور ویژه‌ای برای آن‌هایی که درآمد متغیر و یا کم دارند مهم باشد.

دلایل بسیاری مبنی بر اینکه چرا توسعه خدمات مالی می‌تواند اثر مثبت بر رشد داشته باشد، وجود دارد. اکنون پذیرش همه جانبه‌ای مبنی بر اینکه رشد، شرایط لازم (اما نه همیشه کافی) برای اثبات کاهش فقر است وجود دارد. تحلیل بین کشورها نشان داده است که تفاوت معناداری در رابطه بین رشد و کاهش فقر در میان کشورها وجود دارد و در آن درآمد افراد فقیر متناسب با متوسط درآمد، گرایش به افزایش (و کاهش) دارد. این مطلب دلالت بر این دارد که رشد معمولاً فقر مطلق را کاهش می‌دهد و توسعه بخش مالی برای کاهش فقر از طریق اثر مثبت آن بر رشد سودمند است (Financial Sector Team, 2004).

جوهر اصلی بسیاری از نظریه‌های رشد درونزا در معادله  $Y=AK$  منعکس است.  $A$  پارامتری است که مبین عامل مؤثر در دانش و فنآوری است و  $K$  شامل سرمایه انسانی، فیزیکی و ... است. در این مدل بازده نزولی نسبت به  $K$  وجود ندارد. دو دلیل برای نبود بازده نزولی بیان شده است: اول اینکه وجود آثار جانبی، تمایل به بازده نزولی را خنثی می‌سازد و در نتیجه این الگو نشان می‌دهد که افزایش در نرخ سرمایه‌گذاری با فرض وجود آثار جانبی قابل توجه، به رشد پایدار منجر خواهد شد (ختایی، ۱۳۷۸).

ما از یک مدل  $AK$  در یک اقتصاد که تنها یک نوع کالا با سرمایه به‌عنوان تنها عامل تولید، شروع می‌کنیم. جمعیت در این اقتصاد ایستا است. ستاده کل در زمان  $t$  به‌عنوان یک تابع خطی از ذخیره سرمایه ( $K$ ) توضیح داده شده است:

$$Y_t = AK_t \quad (1)$$

کالای منفرد در این اقتصاد می‌تواند مصرف و یا سرمایه‌گذاری شود. تابع سرمایه‌گذاری ناخالص مساوی است با:

$$I_t = K_{t+1} - (1 - \delta)K_t \quad (2)$$

جایی که  $\delta$  نرخ استهلاک سرمایه در هر دوره است.

واسطه‌گری مالی در فرآیند تبدیل پس‌انداز به سرمایه‌گذاری ظاهر می‌شود. همه پس‌اندازها از بانک‌ها منتقل می‌شوند و برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری کافی فرض شده‌اند. در این مرحله، نیاز به متحدکردن ساختار فعالیت‌های بانکی به پیروی از چارچوب یک سازمان صنعتی (IO) داریم. بازارهای بانکی کاملاً رقابتی فرض شده‌اند. بانک در شکل سپرده (D) پس‌انداز می‌پذیرد و وام (L) برای بنگاه‌ها (به‌طور کلی) فراهم می‌آورد. سود بانک نمونه، مجموع حاشیه سود نرخ‌های بهره وام‌ها و سپرده‌ها است و می‌تواند به شکل زیر توضیح داده شود:

$$\pi = (r_L - r)L + (r(1 - \alpha) - r_D)D - C(D, L) \quad (3)$$

جایی که  $r_L$  و  $r_D$  به ترتیب نرخ‌های بهره وام‌ها و سپرده‌ها هستند و  $r$  نرخ بهره بدون ریسک در بازار بین بانکی است،  $\alpha$  نسبت ذخیره صندوق و  $C(D, L)$  هزینه (اجرای) واسطه‌گری است. وضعیت خالص هر بانک در بازار بین بانکی  $[(1 - \alpha)D - L]$  است. مشتق‌گیری مرتبه اول برای به حداکثر رساندن سود بانک به کار می‌رود:

$$\frac{\delta \pi}{\delta L} = (r_L - r)C_L = 0 \quad (4)$$

$$\frac{\delta \pi}{\delta D} = (r(1 - \alpha) - r_D) - C_D = 0$$

یک بانک رقابتی حجم وام‌ها و سپرده‌هایش را به‌گونه‌ای قرار می‌دهد که حاشیه سود نرخ‌های بهره  $(r_L - r)$  و  $(r(1 - \alpha) - r_D)$ ، با به ترتیب، هزینه نهایی (اجرای) وام‌ها  $C_L$  و هزینه نهایی (اجرای) سپرده‌ها  $C_D$  برابر شود. در تعادل هزینه کل اجرای نهایی  $C_L + C_D$  برابر با  $r_L - r\alpha - r_D$  می‌باشد. اجازه دهید حالا دو مدل AK و شرایط ماکزیم‌سازی سود واسطه‌گری مالی را ترکیب کنیم. هزینه واسطه‌گری در تابع تبدیل بانک به قسمتی از پس‌انداز  $(1 - \phi)$  اشاره می‌کند که نمی‌تواند به بنگاه‌های خصوصی اختصاص یابد.

$$\phi S_t = I_t \quad (5)$$

قسمت  $(1 - \phi)$  از پس‌انداز برابر کل هزینه نهایی اجرا برای واسطه‌گری مالی در تعادل با درآمد نهایی خالص  $r_L - r\alpha - r_D$  در معادله (۵) و ترکیب آن با معادله (۲) تعادل جدید بازار به وجود خواهد آمد:

$$\phi s Y = I = s Y - s Y (r_L - r\alpha - r_D) \quad (6)$$

جایی که  $s$  به نرخ پس‌انداز ناخالص تعریف شده به وسیله  $S/Y$  اشاره دارد.

$$g_{t+1} = \left(\frac{Y_{t+1}}{Y_t}\right) - 1 = \left(\frac{K_{t+1}}{K_t}\right) - 1 \quad (۱)$$

است. با توجه به تعادل جدید بازار سرمایه و نقش (و هزینه نهایی) واسطه‌گران مالی، نرخ رشد steady state اقتصاد (با صرف‌نظر از شاخص‌های زمانی) می‌تواند به صورت زیر نوشته شود:

$$g = As\phi - \delta = A[s - s(r_L - r\alpha - rD)] - \delta \quad (۷)$$

با ارزیابی نقش واسطه‌گران مالی در مدل در می‌یابیم:

واسطه‌های مالی می‌توانند در رشد اقتصادی به وسیله تقویت بهره‌وری سرمایه (A در مدل) مشارکت کنند. براساس Greenwood and Jovanovic (1990) یا Smith and Bencivenga (1991) بانک‌ها اطلاعاتی را گردآوری می‌کنند که جریان وجوه نقد به سمت سرمایه‌گذاری را مجاز می‌کند. تا هنگامی که هزینه نهایی اعمال نظارتی-گزینه‌ی مساوی با مطلوبیت نهایی سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی شود، تابع تبدیل بانک اجازه می‌دهد که قسمت مهمی از جریان (پس‌انداز) مالی که در پروژه‌های کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری شده بود بتواند در پروژه‌های بلندمدت (پربازده) سرمایه‌گذاری شود.

بانک‌ها همچنین بهره‌وری سرمایه را افزایش می‌دهند هنگامی که به‌عنوان کارگزار عمل می‌کنند، به پس‌اندازکنندگان اجازه می‌دهند پورتفولیویشان را به وسیله سرمایه‌گذاری در محصولاتی از قبیل سهام، تعاونی و صندوق‌های بازنشستگی یا خدمات بیمه‌ای متنوع سازند. بنابراین، تعدیل و نوآوری مالی - توسعه خدمات جدید- همچنین با تقویت بهره‌وری سرمایه و سرمایه‌گذاری در ارتباط هستند (Valverde, del Paso and Fernandez, 2004)

## ۲- تسهیلات بانکی و توسعه مناطق محروم

رعایت عدالت در توزیع تسهیلات اعطایی بانک‌ها مقوله مهم دیگری است که در بانکداری اسلامی از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. بدین ترتیب می‌توان گفت که توزیع تسهیلات اعطایی بانکی (و همچنین کمک‌های مالی دولت از طریق بودجه یا موارد دیگر) باید متناسب با درجه عقب‌ماندگی اقتصادی استان‌ها باشد.

براساس موازین قانون اساسی کشور و با تکیه بر اصل عدالت اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که جریان وجوه از استان‌های برخوردار به سوی استان‌های محروم و در جهت کاهش درجه عقب‌ماندگی آن استان‌ها از طریق دولت بی‌اشکال است. حال باید بررسی کرد که آیا چنین موردی در توزیع تسهیلات بانکی منظور شده است؟

براساس بند پ ماده ۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا، سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی حق تقدم دارند. هدف قانونگذار را می‌توان رهنمودی برای اجرای اصل عدالت اجتماعی تلقی کرد. بدین ترتیب براساس روش هزینه-فایده، سپرده‌گذاران هر استان در برابر هزینه‌هایی که به دلیل پس‌انداز پول خود در نظام بانکی متحمل می‌شوند، حق تقدم خواهند داشت که از فایده‌های آن پس‌اندازها نیز برخوردار شوند.

شاید چنین گفته شود که اگر سپرده‌های یک استان محروم در منطقه‌ای که ظاهراً ظرفیت جذب سرمایه و سودآوری مطلوب دارد (مثلاً یک استان برخوردار) به کار گرفته شود، منافع سپرده‌گذاران تأمین خواهد شد. لیکن نباید از نظر دور داشت که: اول آنکه دولت به منظور رفع محرومیت استان‌ها، هزینه‌های نسبتاً زیادی را در قالب بودجه عمومی کشور متحمل می‌شود و بنابراین به کار بردن تمهیداتی برای استفاده هر چه بیشتر و بهتر از سپرده‌های مردم در استان‌های محروم در امتداد هدف‌های دولت است. دوم آنکه چنانچه در جست و جو و مطالعه دقیق علل محرومیت موجود در استان‌های محروم برآییم، چه بسا در خواهیم یافت که امکانات، منابع و زمینه‌های بسیار مناسبی برای سرمایه‌گذاری با بازده فزاینده وجود دارند که یا شناسایی نشده‌اند و یا آنکه به نحو مطلوب و شایسته مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. سوم آنکه قبول نظر فوق موجب عقب‌ماندگی و تداوم محرومیت این‌گونه استان‌ها خواهد شد.

برای دستیابی به اهداف فوق امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته، رویکرد تأمین مالی خاصی با هدف کمک به مناطق محروم و فقرزدایی پیشنهاد شده است. این رویکرد جدید در اعطای تسهیلات که تأمین مالی خرد نام گرفته، یکی از عملی‌ترین راهکارها برای کمک به مناطق محروم است.

### ۱-۲- رویکرد تأمین مالی خرد

به‌طور کلی، تأمین مالی خرد به خدمات مالی با مقیاس کوچک اطلاق می‌شود و به بنگاه‌هایی با مقیاس کوچک تولید ارائه می‌گردد. از این‌رو، منافع را که چنین سیستمی به‌همراه خواهد داشت، می‌توان برشمرد.

در واقع، از یک سو این خدمات، این امکان را فراهم می‌کند که پس‌اندازهای کوچک از یک بازدهی متناسب برخوردار شود و در نتیجه گسترش یابد و از سوی دیگر، وام‌گیرندگان خرد به سمت افزایش بهره‌وری و نیز اصلاح مدیریت مالی خود حرکت خواهند کرد و این در حالی است که چنین خدماتی به‌ندرت توسط بخش‌های مالی رسمی، ارائه می‌شود. بانک‌ها و مؤسسات رسمی عموماً فرض می‌کنند که ارائه وام‌های کوچک و نیز خدمات سپرده‌های کوچک سودآور نیستند. به‌طور کلی، مؤسسات اعتباری خرد از سازوکارهای اجرایی خاص برخوردارند که قادر است هزینه‌های عملیاتی و نیز ریسک اعطای وام‌ها را کاهش دهد.

در واقع اهداف مهم رویکرد جدید (تأمین مالی خرد) - گسترش درآمد و کاهش فقر - از اهداف رویکرد سنتی منحرف نمی‌شود؛ لیکن تفاوت مهمی در موضوع‌ها، راهبردها و روش‌های به‌کار رفته برای دستیابی به هدف به چشم می‌خورد. به‌طور کلی، باید اشاره شود که رویکرد جدید، نقش بازارگرایانه داشته و سهم محدودتری را برای دولت در نظر می‌گیرد و تأکید ویژه‌ای بر بهینه‌سازی و کارایی بازارها را پیشنهاد می‌کند. در واقع، یکی از ویژگی‌های رویکرد جدید آن است که با گردآوری منابع مالی کوچک و نیز ارائه اعتبارات خرد می‌توان بدون پرداختن یارانه و یا هزینه دیگر، اشتغال و توسعه در بلندمدت ایجاد کرد. می‌توان گفت این مؤسسات در ایجاد تسهیلات و خدمات مالی مناسب برای گروه‌های فقیر جامعه، امکان توزیع دوباره درآمدها و افزایش خوداشتغالی و به‌تبع آن افزایش تولید، درآمد و کاهش بیکاری نقش مؤثری دارند.

به‌طور کلی، باید این نکته را یاد آور شد که در ایران نمی‌توان مؤسساتی را که در زمینه تأمین مالی خرد فعالیت می‌کنند، یافت. و در واقع می‌توان ادعان داشت که در خصوص بانکداری به‌منظور فقرزدایی در ایران تاکنون اقدام خاصی صورت نگرفته است. از سوی دیگر، در صورتی که تنها به مفهوم کمی مالیه خرد توجه شود، در این‌صورت قادر هستیم تا تصویری از وضعیت اعتبارات خرد روستایی ارائه کنیم. لازم به ذکر است که در ایران در خصوص اعتبارات روستایی، سه نهاد رسمی به فعالیت می‌پردازند که عبارتند از: سیستم بانکی، قرض‌الحسنه و کمیته امداد.

## ۲-۲- تحقیقات انجام شده در زمینه توزیع تسهیلات بانکی

شاهرخی به بررسی کمی نحوه توزیع تسهیلات اعطایی در استان‌های کشور پرداخته است. در بررسی اول نسبت "میزان تسهیلات اعطایی" به "مانده سپرده‌های بانکی" برای هر استان طی سال‌های ۷۰-۱۳۶۳ محاسبه و نسبت‌های محاسبه شده برای هر استان را با میانگین نسبت‌ها در هر سال مقایسه کرده است و بدین ترتیب نشان داده شده که در زمینه اعطای تسهیلات چه

استان‌هایی کمتر و چه استان‌هایی بیشتر مورد توجه سیستم بانکی بوده‌اند. ضریب تغییرپذیری نسبت‌ها طی سال‌های مورد بررسی به‌عنوان شاخص نابرابری نشان می‌دهد که سیاست اعطای تسهیلات بانکی در کل کشور در جهت تشدید نابرابری بوده است.

همچنین در بررسی کمی دیگر در چارچوب یک الگو (مدل) رابطه بین میزان تسهیلات اعطایی (به‌عنوان متغیر وابسته) با ضریب محرومیت استان‌ها، مانده سپرده‌ها و میزان بودجه مصوب استانی (به‌عنوان متغیرهای مستقل) طی سال‌های مورد بررسی مشخص شده است و در پایان نتیجه می‌گیرد که کاهش عدم تعادل‌های موجود براساس یافته‌های تحقیق و رشد و توسعه هماهنگ استان‌ها، مستلزم آن است که با شناختی کامل از امکانات بالقوه اقتصادی، استعدادها و مزیت‌های نسبی در هر استان (مثلاً کشاورزی، صنعت، گردشگری و یا تلفیقی از آن‌ها)، برنامه‌های جامع عمرانی و زیربنایی لازم در چارچوب برنامه کلان اقتصادی کل کشور تنظیم و نقش و وظایف نظام بانکی به‌عنوان یکی از اجزاء جدا نشدنی سیستم اقتصاد اسلامی کاملاً مشخص و معین شود (شاهرخی، ۱۳۷۲).

موبد شاهی نحوه تخصیص منابع بانکی را در ایران، به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی و اجرای قانون بانکداری بدون ربا مورد بررسی قرار داده و ضمن آشنایی با عملکرد سیستم بانکی در این رابطه عوامل مؤثر بر تخصیص منابع بانکی و تأثیر سیاست‌های پولی اتخاذ شده توسط دولت را مورد بررسی قرار داده است. در پژوهش موبدشاهی روش‌های مختلف تخصیص منابع بانکی در چارچوب قانون عملیات بانکداری بدون ربا و دو عامل مؤثر بر نحوه تخصیص منابع بانکی (مسائل اجرایی و سیاست‌های پولی) مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه کار بیانگر این مسئله است که عملکرد بانک‌ها در تخصیص اعتبار به بخش‌های تولیدی، در اکثر سال‌ها کمتر از حد مجاز تصویب شده بوده و برعکس این حالت برای بخش‌های غیرتولیدی در تمام سال‌ها رشد تسهیلات اعطایی بیش از حد مجاز اعتباری بوده است. موبدشاهی تقاضا برای تسهیلات را از مهم‌ترین عواملی می‌داند که در این رابطه نقش بسزایی داشته است (موبدشاهی، ۱۳۷۳).

شبنانی بالانجی، نقش بانکداری دولتی بر کارایی و رشد اقتصادی کشور را مورد بررسی قرار داده است و نقش تسهیلات بانکی را در رشد اقتصادی مورد توجه قرار داده است و به این نتیجه رسیده است که سیاست عدم گسترش شبکه بانکی و همچنین اعمال سقف‌های اعتباری تأثیر منفی بر رشد اقتصادی گذاشته و سیاست اعطای اعتبارات به بخش‌های اولویت‌دار تأثیر مثبت در رشد اقتصادی داشته است (شبنانی بالانجی، ۱۳۸۰).

منصوری، اعطای تسهیلات اعتباری به مشتریان را وابسته به ظرفیت اعتباری در نظر گرفته است و با استفاده از یک گروه متغیرهای مستقل، بهره‌گیری از مدل شبکه‌های عصبی پرسپترون چندلایه، ریسک اعتباری و ظرفیت اعتباری درخواست‌کنندگان اعتبار را به‌طور همزمان مورد تحلیل قرار داده است و به این نتیجه رسیده است که مدل شبکه‌های عصبی در برآورد ظرفیت اعتباری مشتریان برای اعطای اعتبار به آن‌ها از توان بالاتری برخوردار است (منصوری، ۱۳۸۲).

کاشفی نشان داده است چهار بانک مورد بررسی در کشور در رابطه با اعطای تسهیلات از طریق عقود اسلامی "مضاربه"، "مشارکت مدنی"، "فروش اقساطی" و "سلف" عملکردی یکسان و هم جهت داشته‌اند و تأثیر عواملی مانند "محدودیت رعایت درصدی از مانده سال قبل تسهیلات اعطایی" و "میزان محرومیت استان‌ها" (به‌عنوان متغیرهای مستقل در این تحقیق) موجب ناهمگونی در عملکرد بانک‌ها نشده است. نتیجه حاصله (عملکرد یکسان بانک‌ها) فقط بیانگر این است که بانک‌ها با اجرای بخشنامه‌های واصله از بانک مرکزی، عملکردی یکسان و کلیشه‌ای و به دور از خلاقیت‌های مدیریتی داشته‌اند که این خود به‌عنوان یکی از نقاط ضعف سیستم بانکی کشور مطرح است (کاشفی، ۷۳).

### ۳-۲- تسهیلات بانکی و طبقه‌بندی آن در ایران

کلیه عملیات بانک‌ها در مورد اعطای وام و اعتبار، مشارکت در طرح‌ها و سرمایه‌گذاری مستقیم و تنزیل (خرید دین)، در قالب تسهیلات اعطایی بیان می‌شوند. تسهیلات بانکی دست‌کم از دو نظر دارای اهمیت ویژه هستند: اول از نظر خود بانک (به‌عنوان مؤسسات انتفاعی)، زیرا قسمت عمده منافع آن‌ها از این محل تأمین می‌شود و اغلب درآمد بانک‌ها از محل تسهیلات اعطایی، به تنهایی از مجموع سایر درآمدهای آن‌ها بیش‌تر است. دوم از نظر اجتماعی، به‌خاطر تأثیراتی که این تسهیلات در سطح فعالیت‌های اقتصادی دارند.

لیکن با توجه به اینکه از یک سو بخش عظیمی از منابع بانکی به‌صورت اعتبارات مصرف می‌شود و از سوی دیگر منافع اصلی بانک‌ها از این بخش تأمین می‌شود. اغلب اعطای اعتبار را به‌عنوان اصلی‌ترین مصارف بانک به‌حساب می‌آورند. اعتباراتی که در بانکداری اسلامی در قالب عقود اسلامی تخصیص می‌یابد عبارتند از: قرض‌الحسنه، مضاربه، مشارکت، سرمایه‌گذاری مستقیم، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین، جعاله.

با توجه به نوع و شرایط اعطای اعتبار، تسهیلات اعطایی در نظام بانکداری اسلامی به چهار گروه تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱- گروه قرض الحسنه ۲- گروه مشارکت ۳- گروه مبادلات ۴- گروه تعهدات  
(قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب هشتم اسفندماه، ۱۳۶۵، ماده ۳ از فصل ۲)  
جدول شماره ۱ اعتبارات اعطایی تشکیل دهنده هر یک از چهار گروه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: گروه‌بندی تسهیلات اعطایی مورد استفاده در نظام بانکداری کشور

گروه قرض الحسنه	گروه مشارکت	گروه مبادلات	گروه تعهدات
قرض الحسنه	مضاربه	فروش اقساطی	جعاله
	مشارکت مدنی	اجاره به شرط تملیک	(گشایش اعتبار اسنادی و صدور ضمانت نامه و نظایر آن)
	مشارکت حقوقی	سلف	
	سرمایه گذاری مستقیم	خرید دین	

مأخذ: منصوری، ۱۳۸۲، صفحه ۳.

همچنین تسهیلات بانکی براساس مدت قرارداد به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:  
اول- کوتاه مدت: قرض الحسنه، مضاربه، معاملات سلف، جعاله، خرید دین.  
دوم- بلندمدت: فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مشارکت مدنی، تسهیلات مسکن.

#### ۴-۲- روش تحقیق (شاخص سوئیت)<sup>۱</sup>

در این مقاله برای بررسی چگونگی توزیع تسهیلات بانکی بین استان‌های کشور از شاخص سوئیت استفاده شده است. شاخص سوئیت معیاری شبیه به منحنی لرنز و ضریب جینی است و برای اندازه‌گیری توزیع منابع استفاده می‌شود. این معیار بر مبنای رتبه‌بندی استان‌ها، بر حسب سهم‌شان از GDP سرانه کل انجام می‌گیرد. در واقع این رتبه‌بندی بر حسب درصد تراکمی استان‌های دریافت کننده تسهیلات از کل تسهیلات بانکی صورت می‌گیرد.

برای محاسبه شاخص سوئیت، روی محور طول‌ها در یک دستگاه مختصات، درصد تراکمی تولید ناخالص داخلی سرانه GDP استان‌ها و روی محور عرض‌ها، درصد تراکمی تسهیلات بانکی قرار می‌گیرد. اگر توزیع تسهیلات به‌نحوی کاملاً متناسب صورت گیرد، خط مستقیمی به‌دست می‌آید که با زاویه ۴۵ درجه از مبدا مختصات می‌گذرد. در این حالت درصد معینی از تسهیلات بانکی متناسب با درصد متناظری از GDP توزیع شده است.

<sup>۱</sup> Suit



به‌طور کلی شاخص سوئیت اندازه توزیع تسهیلات بانکی را بین استان‌ها برحسب مقیاس درآمدی خلاصه می‌کند. این شاخص به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

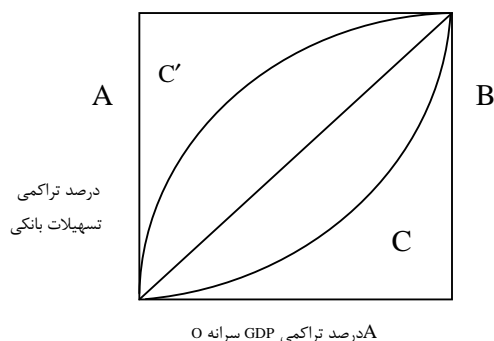
$$S = (K-L)/K = 1 - (L/K)$$

اگر مقدار عددی شاخص صفر باشد، یعنی زمانی که منحنی ما قطر OB باشد، نشان می‌دهد که توزیع تسهیلات بانکی به تناسب GDP صورت گرفته است. اگر مقدار عددی شاخص بزرگتر از صفر باشد، یعنی زمانی که منحنی به طرف پایین قطر تحدب یافته باشد، نشان می‌دهد که تخصیص تسهیلات بانکی نامتناسب بوده و تسهیلات در بین استان‌های با درآمد بالاتر توزیع شده است. همچنین زمانی که مقدار شاخص منفی باشد به این معناست که تسهیلات بانکی در بین استان‌های با درآمد کمتر توزیع شده است (Clark, 1992).

L: فضای زیر منحنی لرنز و محور افقی

K: فضای زیر مثلث OAB

نمودار ۲: منحنی لرنز برای محاسبه شاخص سوئیت توزیع تسهیلات بانکی



### ۳- بررسی چگونگی توزیع تسهیلات با استفاده از شاخص سوئیت

برای بررسی نحوه توزیع تسهیلات با استفاده از شاخص سوئیت لازم است استان‌ها را بر حسب GDP سرانه دهک‌بندی کنیم. برای این کار GDP استان‌های کشور طی سال‌های برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) از سالنامه آماری کشور استخراج شد و سپس براساس جمعیت هر استان سرانه آن طی سال‌های مذکور برآورد شد. پس از آن استان‌ها را بر حسب GDP سرانه

دهک‌بندی کردیم. اما دهک‌بندی استان‌ها در این روش چندان قابل اعتماد نبود، زیرا استان محرومی مثل آذربایجان غربی و کهگیلویه و بویراحمد در دهک‌های درآمدی بالا (به‌ترتیب هشتم و نهم) قرار می‌گرفتند. برای رفع این مشکل ارزش افزوده معادن هر استان از GDP کسر شد و دهک‌بندی دوباره صورت گرفت که نتیجه آن به‌قرار زیر است.

دهک اول : استان سیستان و بلوچستان، استان کردستان.

دهک دوم : استان کهگیلویه و بویراحمد، استان ایلام، استان آذربایجان غربی، استان کرمانشاه، استان لرستان.

دهک سوم : استان چهارمحال بختیاری.

دهک چهارم : استان اردبیل، استان همدان، استان زنجان، استان گلستان.

دهک پنجم : استان‌های خراسان، استان گیلان، استان قم، استان فارس.

دهک ششم : هیچ استانی در این دهک درآمدی قرار نگرفت.

دهک هفتم : استان کرمان، استان آذربایجان شرقی، استان خوزستان.

دهک هشتم : استان یزد، استان مازندران، استان سمنان، استان قزوین.

دهک نهم : استان اصفهان، استان هرمزگان.

دهک دهم : استان مرکزی، استان تهران، استان بوشهر.

در گام بعدی به مقایسه تسهیلات تخصیص داده شده به دهک‌های درآمدی و همچنین مانده حساب‌های هر دهک درآمدی طی برنامه دوم و سوم توسعه می‌پردازیم. برای محاسبه شاخص سوئیت در هر برنامه، از آمار مربوط به میزان سهم استان‌ها در GDP سرانه از "سالنامه آماری کشور (سال‌های ۸۳-۷۴)" و کل تسهیلات (به‌علاوه تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت آن) و همچنین سهم استان‌ها در مانده حساب‌ها استخراج شده از "گزارش اوضاع اقتصادی، اجتماعی استان‌های کشور (سال‌های ۸۳-۷۴)" استفاده می‌کنیم. برای محاسبه سهم استان‌ها از تسهیلات بانکی، میانگین تسهیلات بانکی اعطا شده به هر استان در طول هر برنامه توسعه را محاسبه می‌کنیم.

جدول شماره ۲: توزیع تسهیلات (کوتاه مدت، بلندمدت، کل) و مانده حسابها بر حسب

دهکهای GDP سرانه استانی ایران

دهک دهم	دهک نهم	دهک هشتم	دهک هفتم	دهک پنجم	دهک چهارم	دهک سوم	دهک دوم	دهک اول	تسهیلات	
									دهک درآمدی	
۱۸/۱۸	۹/۷۶	۱۷/۳	۱۱/۳۱	۱۳/۳۳	۱۱/۷۵	۲/۵۷	۱۱/۹۴	۳/۸۶	درصد GDP سرانه	
۶۶/۳۳	۹/۱۹	۵/۹۳	۹/۵۵	۱۳/۷۵	۳/۳۳	۰/۷۱	۴/۲۶	۱/۹۵	درصد مانده حسابها	
۴۶/۰۲	۸/۵۸	۹/۰۶	۸/۳۰	۱۴/۲۶	۴/۸۴	۰/۹۶	۶/۳۸	۱/۵۹	درصد کل تسهیلات در برنامه سوم	
۴۶/۸۰	۷/۹۹	۹/۳۴	۸/۴۷	۱۳/۸۵	۴/۷۴	۰/۹۲	۶/۴۲	۱/۵۵	درصد تسهیلات بلندمدت	
۵۳/۳۰	۸/۲۸	۷/۳۶	۶/۶۱	۱۲/۷۲	۴/۲۵	۰/۸۶	۵/۲۶	۱/۴۶	درصد تسهیلات کوتاه مدت	
۲۶/۰۴	۹/۷۶	۱۵/۷۹	۱۱/۳۱	۹/۹۹	۸/۷۴	۲/۵۷	۱۱/۹۵	۳/۸۵	درصد GDP سرانه	
۵۱/۸۵	۸/۵۷	۵/۹۰	۹/۹۱	۱۴/۷۸	۲/۳۰	۰/۷۱	۴/۲۸	۱/۶۹	درصد مانده حسابها	
۴۵/۳۲	۸/۷۹	۸/۷۱	۹/۳۲	۱۴/۵۳	۳/۳۴	۱/۳۵	۶/۲۶	۲/۳۷	درصد کل تسهیلات	
۴۶/۸۶	۸/۶۰	۷/۸۶	۹/۵۵	۱۳/۹۵	۳/۴۴	۱/۱۱	۶/۳۷	۲/۲۴	درصد تسهیلات بلندمدت	
۴۲/۱۸	۹/۱۸	۱۰/۴۲	۸/۸۴	۱۵/۷۲	۳/۱۵	۱/۸۴	۶/۰۲	۲/۶۳	درصد تسهیلات کوتاه مدت	

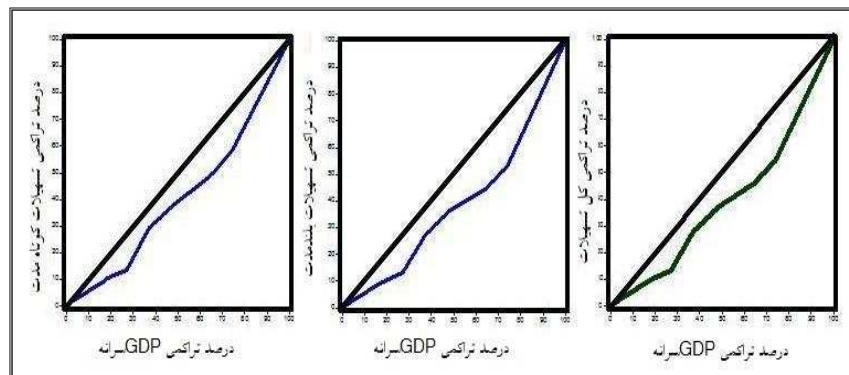
مأخذ: یافته‌های تحقیق

مشاهده می‌شود که در برنامه دوم در هر سه مورد تسهیلات کوتاه‌مدت، بلندمدت و کل تسهیلات بیش از ۵۰ درصد تسهیلات به دهک‌های درآمدی نهم و دهم تخصیص داده شده است، در حالی که کمتر از ۱۰ درصد از تسهیلات به دهک‌های درآمدی اول و دوم اختصاص داده شده است. نکته جالب توجه این است که این آمار تقریباً برای مانده حسابها نیز به‌طور مشابه تکرار شده است، یعنی بیش از ۶۰ درصد مانده حسابهای بانکها متعلق به دهک‌های درآمدی نهم و دهم می‌باشد و همچنین کمتر از ۸ درصد مانده حسابها به دهک‌های درآمدی اول و

دوم تعلق دارد. در واقع این آمار نشان می‌دهد که توزیع تسهیلات تقریباً هماهنگ با توزیع مانده حساب‌ها می‌باشد، یعنی بانک‌ها تقریباً معادل همان درصدی از مانده حساب‌ها را که از هر دهک درآمدی در اختیار دارند، تسهیلات بانکی در اختیار آن دهک قرار می‌دهند. روند توزیع تسهیلات در برنامه سوم تقریباً مشابه برنامه دوم می‌باشد، با این تفاوت که این اختلاف در توزیع تسهیلات دو دهک بالا و پایین درآمدی افزایش یافته است. در برنامه سوم بیش از ۵۵ درصد تسهیلات به دهک‌های درآمدی نهم و دهم اختصاص یافته است و در مقابل کمتر از ۸ درصد به دهک‌های درآمدی اول و دوم اختصاص داشته است. این اختلاف در مورد مانده حساب‌ها نیز شدت گرفته است، یعنی کمتر از ۷ درصد مانده حساب‌ها متعلق به دهک‌های اول و دوم می‌باشد، در حالی که بیش از ۷۰ درصد تسهیلات به دو دهک بالای درآمدی تعلق دارد. با استفاده از ارقام جدول بالا می‌توان شاخص سوئیت را برای توزیع تسهیلات کوتاه‌مدت، بلندمدت، کل تسهیلات و مانده حساب‌ها برای برنامه دوم و سوم توسعه محاسبه کرد. برای این کار ابتدا ارقام هر یک از متغیرها را به صورت تراکمی مرتب می‌کنیم، سپس منحنی لرنز را برای هر نوع تسهیلات و GDP سرانه رسم می‌کنیم و شاخص سوئیت مربوط را محاسبه می‌کنیم. نتایج به صورت زیر نمایش داده شده است:

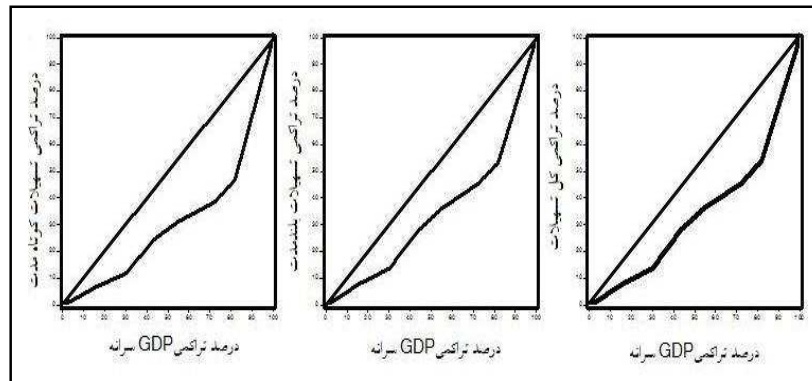
### ۲-۳- محاسبه شاخص سوئیت برای توزیع تسهیلات بانکی در برنامه دوم و سوم

نمودار ۳: منحنی‌های لرنز برای توزیع تسهیلات بانکی در برنامه دوم توسعه



مقدار شاخص سوئیت به دست آمده برای تسهیلات کوتاه مدت و بلندمدت و همچنین کل تسهیلات در برنامه دوم محاسبه شده است که به ترتیب  $0/19$ ،  $0/23$  و  $0/21$  است. در این بین بیشترین مقدار شاخص سوئیت مربوط به تسهیلات بلندمدت با مقدار  $0/23$  بوده است.

نمودار ۴: منحنی های لرنز برای توزیع تسهیلات بانکی در برنامه سوم توسعه



مقدار شاخص سوئیت به دست آمده برای تسهیلات کوتاه مدت و بلندمدت و همچنین کل تسهیلات در برنامه سوم به ترتیب  $0/38$ ،  $0/32$ ،  $0/31$  محاسبه شده است. در این بین بیشترین مقدار شاخص سوئیت مربوط به تسهیلات کوتاه مدت با مقدار  $0/38$  بوده است.

جدول شماره ۳: محاسبه شاخص سوئیت برای تسهیلات بانکی در برنامه های دوم و سوم توسعه

برنامه سوم	برنامه دوم	برنامه توسعه تسهیلات
۰/۳۸۱۴	۰/۱۸۸۱	تسهیلات بانکی کوتاه مدت
۰/۳۱۵۶	۰/۲۲۶۷	تسهیلات بانکی بلندمدت
۰/۳۱۰۰	۰/۲۱۳۹	کل تسهیلات بانکی

مأخذ: یافته های تحقیق

مثبت‌بودن شاخص برای هر سه نوع تسهیلات در هر دو برنامه دوم و سوم توسعه، نشان‌دهنده گرایش توزیع تسهیلات بانکی به سمت استان‌های برخوردارتر است. همچنین مقدار قدرمطلق شاخص در هر سه مورد به صفر نزدیک‌تر است. مجموع این نتایج محاسبه شاخص سوئیت بیانگر این است که توزیع تسهیلات بانکی کوتاه‌مدت، بلندمدت و کل تسهیلات گرایش به سمت استان‌های برخوردار داشته است.

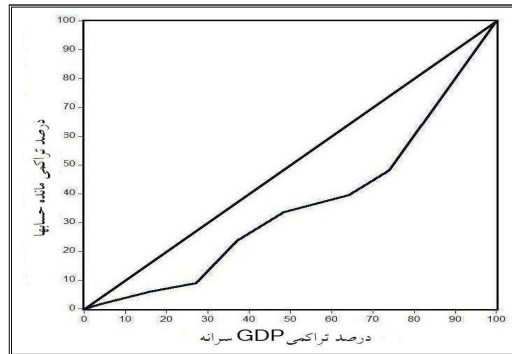
مقایسه نتایج به‌دست آمده از محاسبه شاخص سوئیت طی برنامه دوم و سوم توسعه نشان می‌دهد، شاخص سوئیت در همه انواع مختلف تسهیلات بانکی در برنامه سوم نسبت به برنامه دوم افزایش داشته است و بیشترین افزایش مربوط به تسهیلات کوتاه‌مدت است. به‌عبارت دیگر توزیع تسهیلات کوتاه‌مدت در برنامه سوم توسعه در مقایسه با برنامه دوم گرایش بیشتری به سمت استان‌های برخوردار داشته است.

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد تخصیص منابع از طریق اعطای تسهیلات در استان‌های کشور توزیع نابرابر دارد. با این نتیجه فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود. همچنین مثبت‌بودن شاخص نشان می‌دهد که در اعطای تسهیلات بانکی، انگیزه کمک به استان‌های محروم مطرح نبوده است. در طول برنامه سوم توسعه نسبت به برنامه دوم در انگیزه اعطای تسهیلات بانکی به استان‌های کشور تفاوتی حاصل نشده است. بلکه افزایش مقدار شاخص سوئیت در برنامه سوم نشان داد که گرایش بیشتری به اعطای تسهیلات به دهک‌های درآمدی بالا (استان‌های برخوردارتر) نسبت به برنامه دوم به‌وجود آمده است. در نتیجه فرضیه سوم رد می‌شود.

### ۳-۳- محاسبه شاخص سوئیت برای مانده حساب‌های بانکی در برنامه دوم و سوم

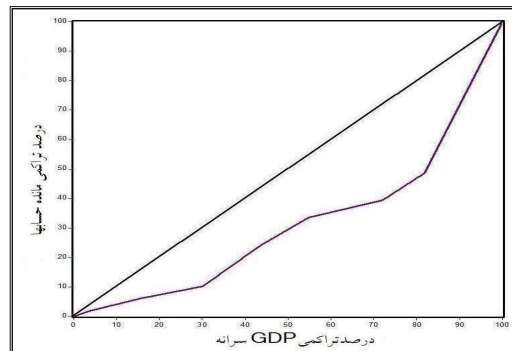
محاسبه شاخص سوئیت برای مانده حساب‌ها در برنامه دوم توسعه عدد  $0/28$  را به‌دست می‌دهد. نشانه مثبت شاخص نشان‌دهنده گرایش توزیع مانده حساب‌ها به سمت استان‌های دهک‌های درآمدی بالاتر است. همچنین مقدار شاخص سوئیت از نظر قدرمطلق (نسبت به شاخص سوئیت محاسبه شده برای تسهیلات) بزرگتر شده است، که بیانگر این است که استان‌های پردرآمد، گرایش بیشتری به پس‌انداز کردن داشته‌اند.

نمودار ۵: منحنی لرنز برای توزیع مانده حساب‌های بانکی در برنامه دوم توسعه



محاسبه شاخص سوئیت برای مانده حساب‌ها در برنامه سوم توسعه مقدار  $0/38$  را نشان می‌دهد، که نشان‌دهنده افزایش  $0/1$  نسبت به مقدار محاسبه شده برای برنامه دوم است. به عبارت دیگر نتایج این مورد هم بیانگر گرایش توزیع مانده حساب‌ها به سمت استان‌های برخوردار و پردرآمد است. نتیجه همچنین نشان می‌دهد توزیع مانده حساب‌ها کاملاً مطابق با توزیع تسهیلات بانکی از برنامه دوم به برنامه سوم حرکت داشته است. یعنی گرایش به سمت استان‌های برخوردارتر ایجاد شده است.

نمودار ۶: منحنی لرنز برای توزیع مانده حساب‌های بانکی در برنامه سوم توسعه



شاخص به‌دست آمده برای مانده حساب‌های بانکی نشان داد که تجهیز منابع از طریق سپرده‌گذاری (پس‌اندازهای مردم) در استان‌های کشور، توزیع نابرابر دارد. یعنی فرضیه اول با نتایج به‌دست آمده تأیید می‌شود. بی‌گمان مقدار شاخص در برنامه سوم نسبت به برنامه دوم افزایش یافته است. این نتیجه نشان می‌دهد تجهیز سپرده‌های بانکی در برنامه سوم گرایش بیشتری به سمت استان‌های برخوردار داشته است که می‌تواند عامل اصلی افزایش شاخص سوئیت تسهیلات بانکی در برنامه سوم باشد. در واقع بانک به‌عنوان یک مؤسسه انتفاعی به هر اندازه که از هر دهک درآمدی سپرده می‌پذیرد، تسهیلات به آن دهک اعطاء می‌کند.

جدول شماره ۴: شاخص سوئیت برای مانده حساب‌های بانکی در برنامه دوم و سوم توسعه

برنامه سوم	برنامه دوم	برنامه توسعه
		مانده حساب‌های بانکی
۰/۳۷۶۵	۰/۲۸۸۵	مانده حساب‌های بانکی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد توزیع تسهیلات بانکی در بین استان‌های کشور با انگیزه کمک به استان‌های محروم صورت نگرفته است. بلکه توزیع تسهیلات بانکی گرایش به سمت استان‌های برخوردار داشته است. همچنین نتایج بیانگر این است که توزیع تسهیلات هماهنگ با توزیع مانده حساب‌ها در طول هر دو برنامه صورت گرفته است.

هر دو برنامه گرایش توزیع تسهیلات به سمت استان‌های برخوردار و برای دهک‌های درآمدی بالا بوده است، لیکن این گرایش در برنامه دوم در همه انواع تسهیلات (به خصوص تسهیلات کوتاه‌مدت) شدت بیشتری گرفته است.

نتایج نشان می‌دهد با توجه به نارسایی سیستم بانکی در جذب سپرده و تخصیص تسهیلات به مناطق محروم، ضرورت یک ساز و کار جدید در سیستم بانکی برای کمک به مناطق محروم به چشم می‌خورد. اعتبارات خرد می‌تواند به‌عنوان مکمل سیستم بانکی کنونی عمل کند.



ارائه روش‌های مکمل (اعتبارات خرد) در اعطای تسهیلات به استان‌ها می‌تواند با توجه به نیازها و استعدادهای منطقه‌ای صورت گیرد. می‌توان امیدوار بود که با کاهش عدم توازن بین استان‌های کشور، تولید و سطح اشتغال در استان‌های محروم افزایش یابد و فقر و محرومیت از چهره آنان زدوده شود و با ایجاد رشدی متوازن در تمام استان‌های کشور در آینده شاهد مسائلی چون مهاجرت‌های بی‌رویه از مناطق محروم به مناطق برخوردار نباشیم.

## کتاب‌نامه

## الف. فارسی

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: *گزارش اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان‌های کشور سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۴*.
- حسن‌زاده، علی. ارشدی، علی: *نقش اعتبارات خرد توسعه روستایی*، مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲.
- ختایی، محمود: *گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی*، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸.
- سلیمی‌فر، مصطفی. قوی، مسعود: *تسهیلات بانک‌ها و سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران*، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳، ۱۳۸۱.
- شاهرخی، غلامرضا: *بررسی کمی نحوه توزیع تسهیلات اعطایی بانکی در استان‌های کشور طی سال‌های ۷۰-۶۳*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۳.
- شبان‌بالانجی، یوسف: *تأثیر بانکداری دولتی بر کارایی و رشد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- قره‌باغیان، مرتضی: *اقتصاد رشد و توسعه*، نشر نی، جلد اول، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
- قره‌باغیان، مرتضی: *چگونگی تخصیص اعتبارات به بخش‌های مختلف اقتصادی و کارایی نظام بانکی*، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
- کاشفی، شاهرخ: *بررسی تأثیر مدیریت چهار بانک تجاری ایران بر تسهیلات اعطایی از طریق چهار عقد فعال اسلامی در ۱۰ استان کشور*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۳.

کشاوریان پیوستی، اکبر: *نقش بازار پول در سرمایه‌گذاری خصوصی بخش صنعت در ایران*، مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲.

مجتهد، احمد. حسن زاده، علی: *پول و بانکداری و نهادهای مالی: پژوهشکده پولی و بانکی*، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۴.

مرکز آمار ایران: *سالنامه آماری کشور سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۴*.

منصوری، علی: *طراحی و تبیین مدل ریاضی تخصیص تسهیلات بانکی*، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.

موبدشاهی، آرمیتا: *نحوه تخصیص منابع بانکی و عوامل مؤثر آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.

والی زاده، ابوالحسن. لعلی، محمدرضا: *بررسی نقش واسطه‌گری‌های مالی در سرمایه‌گذاری*، مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲.

#### ب. انگلیسی

Bagehot, walter: *Lombard street: A Description of the Money Market*, Philadelphia: John Willey and Sons, 1991.

Becsi, Zsolt and Wang, ping: *financial development and Growth Federal Reserve Bank of Atlanta Economic Review*, 82, (Fourth Quarter), 1997.

Clark, Don P: *Distributions Of Official Development Assistance Among Developing Country Aid Recipients*, The Developing Economics, 1992.

Financial Sector Team: *The Importance of Financial Sector Development for Growth and Poverty Reduction; Policy Division, Department for International Development*, 2004.

Levine, R: *Financial Development and Economic Growth: View and Agenda*; Journal of Economic Literature, N.35 pp 688-726, 1997.

Pagano, Macro: *Financial Markets and Growth*, An overview; Europ. Econ, Rev, No 37, 1993.

Rajan, Raghuram and Zingales, Ligi: *Financial Development and Growth*; American Economic Review, No.88, 1998.

Rose, Peter: *Money and Capital Markets: Financial Institutions and Instruments in Aslobal Market Place*. Boston: Mc Graw-Hill, 2000.

Schmpeter, Joseph: *The Theory of Economic Development*. Cambridge Mass: Harvard University press, 1934.

Valverde, Santiago Carbo, Rafael Lopez del Paso and Francisco Rodriguez Fernandez: *Bank, Financial Innovation and Regional Growth*; United Nations University, 2004.